

مفهوم شناسی حکمرانی مشارکتی



چپ نام

خداي بزرگ بخشايش هميشه بخشاند

شماره مسلسل: ۱۸۸۰۰
کد موضوعی: ۳۵۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۱/۱۱/۳۰

عنوان گزارش:
مفهوم شناسی حکمرانی مشارکتی

نام دفتر:
مطالعات بنیادین حکمرانی (گروه نظام‌ها و مدل‌های حکمرانی)

مدیر مطالعه:
اسماعیل عبدی

تهیه و تدوین کنندگان:
سیدمحسن میرباقری
اسماعیل عبدی

اظهار نظر کننده:
سینا شیخی (مطالعات اجتماعی)

ناظران علمی:
مهدی عبدالحمید
محمد مهدی مهربان هلان

صفحه آرا:
انسیه بهاء بزرگی

ویراستار ادبی:
پرند فیاضی



- واژه‌های کلیدی:
۱. مدل حکمرانی
۲. حکمرانی مشارکتی
۳. تصمیم‌گیری جمعی
۴. کار جمعی
۵. سرمایه اجتماعی



فهرست مطالب

۶

چکیده

۷

خلاصه مدیریتی

۸

مقدمه

۱۰

مفهوم‌شناسی حکمرانی مشارکتی

۱۱

جایگاه رویکرد حکمرانی مشارکتی در میان

سایر رویکردهای مشابه

۱۳

دلایل اهمیت پرداختن به رویکرد حکمرانی

مشارکتی در ایران

۱۵

مهم‌ترین مشکلات پیاده‌سازی رویکرد

حکمرانی مشارکتی در کشور

۱۸

دستاوردهای مهم حکمرانی مشارکتی

۲۲

جمع‌بندی و پیشنهادها

۲۴

منابع و مآخذ

فهرست اشکال

۱۱

شکل ۱. انگیزه‌های مردم جهت مشارکت در حکمرانی

(یافته‌های پژوهش)

۱۵

شکل ۲. مهم‌ترین دلایل ضرورت پرداختن به حکمرانی

مشارکتی در کشور

۱۷

شکل ۳. هشت مشکل مهم در پیاده‌سازی حکمرانی

مشارکتی در کشور

۲۰

شکل ۴. دستاوردهای مهم حکمرانی مشارکتی

فهرست جداول

۸

جدول ۱. برخی از مهم‌ترین مدل‌های حکمرانی

۱۱

جدول ۲. مهم‌ترین مفاهیم در خصوص مشارکت

۲۰

جدول ۳. مفاهیم مرتبط با دستاوردهای حکمرانی مشارکتی



مفهوم شناسی حکمرانی مشارکتی

چکیده

مشارکتی به ضرورت پرداختن به این رویکرد در کشور اشاره شده است. براساس یافته‌های گزارش حاضر مهم‌ترین دلایلی که ضرورت پرداختن به این رویکرد را در کشور نشان می‌دهد عبارتند از: تعارضات اجتماعی (حکومت‌گرایی)، پیچیدگی مسائل حکمرانی و اثرگذاری عوامل متعدد، ضعف فرهنگ مشارکت در جامعه، سوگیری‌های شناختی و تورش‌های رفتاری، محدودیت منابع و در نظر نگرفتن تأثیر مبانی فکری و نظام ارزشی مردم. همچنین در بررسی‌های انجام شده در این گزارش مشخص شد که مشکلات عمده در مسیر پیاده‌سازی رویکرد حکمرانی در کشور نیز شامل این موارد هستند: تفرقه، تعصب، نفوذ، لابی، تطمیع و تهدید، ساختار نامناسب و افراد ناسازگار، پیچیدگی، تجمع‌تر جیحات متنوع فردی، عدم فهم صحیح دستاوردهای حکمرانی مشارکتی، جهت‌دهی ناخودآگاه ذهن مسئولان در تعیین اولویت‌ها و نبود ابزار مناسب جهت مشارکت. در انتهای گزارش حاضر نیز پس از بیان دستاوردهای ناشی از پیاده‌سازی این رویکرد در نظام حکمرانی کشور، برای اجرای مناسب حکمرانی مشارکتی پیشنهادهایی ارائه شده است.

نظام‌های حکمرانی در سراسر جهان همواره با چالش‌های متعددی مواجهه هستند. محدودیت‌های منابع، گسترده‌گی جغرافیایی و پیچیدگی‌های اجتماعی از قبیل تنوع قومیتی از جمله مواردی هستند که سبب شده تا این نظام‌ها در مسیر برنامه‌ریزی و تحقق اهداف تعیین شده دچار مشکل شوند. در این راستا اندیشمندان و محققین حوزه حکمرانی رویکردها و نظریه‌های مختلفی را طرح‌ریزی کرده‌اند. یکی از این رویکردها که مشارکت مردم در امر حکمرانی را به عنوان عامل مهم در غلبه بر این چالش‌ها می‌داند، رویکرد حکمرانی مشارکتی است. این رویکرد را برخلاف بسیاری دیگر از رویکردهای بیان شده در حوزه حکمرانی نباید رویکردی دور از اقتضائات جمهوری اسلامی ایران دانست، زیرا بررسی ابعاد مختلف این رویکرد و نیز تطبیق آنها با ویژگی‌های فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، گویای این واقعیت است که این رویکرد دارای قرابت معناداری با رویکردهای کلان نظام حکمرانی کشور است. بر این اساس در گزارش حاضر پس از بیان توضیحاتی در خصوص مفهوم رویکرد حکمرانی

[خلاصه مدیریتی]

تعداد زیادی از سیاستگذاران بر روی مزیت‌ها و دستاوردهای حکمرانی مشارکتی اجماع وجود دارد، اما مشکلات مختلفی مانع پیاده سازی آن می‌شود، از قبیل: تفرقه، تعصب، نفوذ، لابی، تطمیع و تهدید، ساختار نامناسب و افراد ناسازگار، پیچیدگی، تجمیع ترجیحات متنوع فردی، عدم فهم صحیح دستاوردهای حکمرانی مشارکتی در برخی از مسئولان، جهت‌دهی ناخودآگاه ذهن مسئولان در تعیین اولویت‌ها و نبود ابزار مناسب جهت مشارکت. جهت برطرف شدن مشکلات ذکر شده پیشنهادهایی در این گزارش ارائه شده است از جمله: تهیه برنامه‌هایی جهت فرهنگ‌سازی و تقویت مشارکت‌های مردمی، تعیین حوزه‌های مشارکت مردمی، طراحی سامانه‌های کمک‌کننده در حکمرانی مشارکتی، تبیین مزیت‌ها و دستاوردهای حکمرانی مشارکتی، شناخت مدل‌های ذهنی و رفتاری افراد جامعه، ایجاد سازوکارهای تسهیل‌کننده تصمیم‌گیری جمعی و ایجاد سازوکاری جهت اعلام بازخورد و نتایج مشارکت‌های مردمی.

دولت‌ها به دنبال افزایش همراهی بیشتر مردم با سیاست‌هایشان و افزایش سرمایه اجتماعی هستند. بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از مهمترین راهکارهای افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی افزایش مشارکت مردم در سیاستگذاری، تنظیم‌گری، اجرا و نظارت است. همراهی و مشارکت مردم و نهادهای مختلف در عرصه حکمرانی را حکمرانی مشارکتی می‌گویند. پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد اجرای حکمرانی مشارکتی دستاوردهای بسیاری دارد از جمله: تقویت سرمایه اجتماعی (شامل: کاهش تعارضات، افزایش اتحاد، رسیدن به اجماع، افزایش هماهنگی بین مردم و حاکمیت) رشد و پیشرفت (شامل: افزایش یادگیری، افزایش دانش، الهام‌بخشی)، تقویت عدالت اجتماعی (شامل: کاهش تبعیض، کاهش فساد، توزیع قدرت، کاهش تعارض منافع)، افزایش بهره‌وری (شامل: کاهش سوگیری، افزایش کیفیت تصمیم، کاهش زمان اجرای تصمیم). هرچند که بین پژوهشگران و





مقدمه

حکمرانی مفهومی است مرتبط با سیاست‌های عمومی، آمیخته با مفهوم دولت [1]. برخی دیگر نیز حکمرانی را اعمال اقتدار از طریق سنت‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی به منظور تأمین منافع عامه تعریف می‌کنند. حکمرانی به سازمان‌ها و افرادی می‌پردازد که در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات نقش دارند [2]. حکمرانی مدل‌ها و انواع مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها به‌طور اجمالی در جدول ۱ آورده شده است.^۱

جدول ۱. برخی از مهم‌ترین مدل‌های حکمرانی [3]

مدل‌های حکمرانی	هدف کلی حکمرانی	اولویت پیاده‌سازی
حکمرانی حقوقی (Legal governance)	مشروعیت و تبعیت از طریق ارتقای نظم و قانون در روابط اجتماعی	نظام حقوقی: قانونگذاری، قانون و مقررات
حکمرانی شرکتی (Corporatist governance)	نرخ‌های کنترل شده و متوازن توسعه اجتماعی-اقتصادی از طریق مدیریت بازیگران اصلی سازمان یافته اجتماعی	نظام دولتی: برنامه‌ها و چانه‌زنی در سطح کلان
حکمرانی بازار (Market governance)	بهره‌وری منابع / هزینه و کنترل از طریق ترویج شرکت‌های کوچک و متوسط و رقابت	نظام بازار: مزایده‌ها، قراردادها، یارانه‌ها، مشوق‌ها و جریمه‌های مالیاتی
حکمرانی شبکه‌ای (Network governance)	مشارکت مخالفان و خودسازماندهی کنشگران اجتماعی از طریق ارتقای فعالیت سازمانی بین کنشگران	نظام شبکه: همکاری و فعالیت داوطلبانه انجمنی و ارائه خدمات

باید توجه داشت که تمامی رویکردهای مورد توجه در زمینه حکمرانی محدود به موارد فوق نمی‌شوند و علاوه بر آن در دسته‌بندی‌های انجام شده توسط سایر محققان می‌توان نمونه‌های دیگری نیز یافت، رویکردها و مدل‌های جدیدی نیز توسط اندیشمندان و کارگزاران عرصه حکمرانی در حال توسعه و به‌روزرسانی هستند. یکی از این رویکردهای در حال توسعه رویکرد حکمرانی مشارکتی است که روزه روز به اهمیت آن افزوده می‌شود. [4]. حکمرانی مشارکتی یک رویکرد از نظریه حکمرانی است که بر مفهوم مشارکت بنا شده است؛ این مشارکت دو شیوه رایج را شامل می‌شود. شیوه نخست بر مشارکت مردمی، از روش‌های مختلف تأکید می‌کند و به دنبال تعمیق مشارکت شهروندان در فرایندهای حکمرانی است [4]. در شیوه دوم بر مشارکت نهادهای حاکمیتی در اتخاذ تصمیمات مشترک تأکید دارد. جاری ساختن این رویکرد در نظام‌های حکمرانی در جهان امروز امری گریزناپذیر است، زیرا خصلت اجتماعی ساختار جامعه امروزی به گونه‌ای است که بدون مشارکت و همراهی مردم در حکمرانی و یا هم‌افزایی نهادهای مختلف در یک نظام حاکمیتی با یکدیگر، نمی‌توان به اجرای موفق طرحی امیدوار بود [5].

امروزه این رویکرد به دلیل چالش‌های متعدد نظام‌های حکمرانی جهان در اداره کارآمد جامعه که منجر به تنش‌ها و اختلالاتی در روابط بین مردم و دولت‌ها شده، مورد توجه زیادی قرار گرفته است. در جمهوری اسلامی ایران نیز رویکرد مشارکتی تا حد زیادی

۱. البته مدل‌های حکمرانی دیگری نیز وجود دارد که در برخی از منابع دیگر به آن اشاره شده است؛ مانند: حکمرانی خوب (good governance)، حکمرانی مشترک (shared governance)، حکمرانی هیئت مدیره (board governance)، حکمرانی غیرانتفاعی (nonprofit governance)، حکمرانی داده‌ها (data governance) و ...



مورد توجه بوده است. به طوری که به عنوان مثال در **بند هشتم اصل سوم قانون اساسی** بر «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» تأکید شده است. هر چند که مشارکت دادن همه مردم به دلایل مختلف بعید به نظر می‌رسد، اما می‌توان تعداد قابل توجهی از مردم را در فرایندهای حکمرانی مشارکت داد. باید توجه داشت که این تعداد باید به اندازه‌ای باشند که نمایندگی عامه مردم بر آنها صدق نماید.

علاوه بر قانون اساسی در سایر اسناد بالادستی نیز مفهوم مشارکت در امر حکمرانی مد نظر سیاستگذاران بوده است، برای مثال در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز آمده است که «در افق ۱۴۴۴، ایران با اتکا به آرای عمومی از طریق مشارکت آزادانه مردم در انتخابات به دور از تهدید، ثروت و قدرت و با بهره‌گیری نظام‌مند از مشورت مشارکتی نخبگان اداره می‌شود و دارای نیروی انسانی توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت است».^۱

در کنار اسناد رسمی، مسئولان عالی‌رتبه کشور نیز بارها بر جاری شدن مفهوم مشارکت در امر حکمرانی کشور تأکید داشته‌اند. در همین زمینه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز در خصوص لزوم استفاده از رویکرد مردمی و مشارکتی در حکمرانی می‌فرمایند:^۲

«گاهی اوقات صاحب‌نظران و متخصصان که جزو مردمند، نظراتی، شیوه‌هایی را برای کار در بخش‌های مختلف به دولتمردان ارائه می‌دهند. مسئولان یک سازوکاری را پیش بگیرند که بتوانند از این نظرات استفاده کنند که در حقیقت مردم را در تصمیم‌سازی‌های دستگاه‌های مسئول کشور شریک کنند؛ و برای اینکه از ظرفیت‌های مردمی در عمل هم چگونه باید استفاده کرد، سازوکار درست کنند که مردم را در اقدام هم شریک کنند. افراد زیادی هستند که مایلند به دولت در بخشی از کارها کمک برسانند و کمک کنند؛ راهش باید مشخص بشود که طریقه اتصال کمک مردمی مثلاً به این بخش این است؛ اینها را باید بنشینند فکر کنند؛ اینها احتیاج دارد به فکر کردن، مطالعه کردن و مانند اینها. و از ظرفیت مردمی هم برای نظارت عمومی استفاده کنند. در گوشه و کنار کشور مواردی هست که فساد هست، ویژه‌خواری هست که ممکن است از چشم مسئولین ذی‌ربط دور مانده باشد، پنهان مانده باشد؛ اینها را مردم مشاهده می‌کنند، می‌بینند؛ از ظرفیت مردم در این زمینه هم استفاده بشود. بنابراین مردمی بودن یکی از کارهای بسیار اساسی است و باید دولتمردان این را به همین شکلی که اجمالاً عرض شد، دنبال بکنند».

در همین راستا، دکتر محمدباقر قالیباف ریاست محترم مجلس شورای اسلامی در ذیل مفهوم حکمرانی نو که به عنوان یکی از رویکردهای بدیع در امر حکمرانی کشور خصوصاً در دوران گذار قابل طرح است، بر مشارکت مردم تأکید دارند: «در تلاشیم با هوشمندسازی قانونگذاری و نظارت مجلس؛ مردم در کار قانونگذاری و نظارت مستقیم دخالت کنند چرا که هر جا مردم در صحنه باشند موفق بوده و خواهیم بود. در حکمرانی نو باید نخبگان دانشگاهی همراهی کنند و جای چنین بحث‌ها و دیدگاه‌هایی در دانشگاه‌هاست».^۳

بررسی اجمالی اسناد بالادستی و بیانات مسئولان کشور نشان می‌دهد، از میان دو قسم از انواع مشارکت که در رویکرد حکمرانی مشارکتی مد نظر است، مشارکت مردم چه نخبگان و چه عامه مردم به‌نحای مختلف، بیش از مشارکت نهادهای ذیل نظام حکمرانی بایکدیگر، مد نظر است. این امر البته براساس ویژگی‌های نظام حکمرانی کشور قابل پذیرش است، زیرا محور نظام جمهوری اسلامی از ابتدا بر پایه حضور مؤثر مردم بنا نهاده شده و سیر تحولات مهم تاریخی کشور از زمان انقلاب در سال ۱۳۵۷ تاکنون همواره براساس نقش مردم شکل گرفته است.

با عنایت به توضیحات فوق و اهمیت پرداختن به رویکرد حکمرانی مشارکتی، در این گزارش ابتدا مفاهیم مرتبط با رویکرد حکمرانی مشارکتی تعریف می‌شود و سپس مهم‌ترین موضوعات مربوط به پیاده‌سازی این رویکرد توضیح داده می‌شود. در ادامه نیز دستاوردهای پیاده‌سازی موفق این رویکرد بیان می‌شود تا فواید حاصل از اجرای آن روشن شود.



۱. شایان ذکر است که سند مذکور که توسط مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تهیه شده هنوز به صورت رسمی توسط مقام معظم رهبری ابلاغ نشده است.
۲. بیانات با مردم قم در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۹.

۳. <https://danakhabar.com/fa/news/1306484/>



[مفهوم‌شناسی حکمرانی مشارکتی]

تصمیماتی که زندگی آنها را به شیوه‌ای معنادار تحت تأثیر قرار می‌دهد، حمایت می‌کنند.

البته گفتنی است، حامیان حکمرانی مشارکتی از دموکراسی نماینده محور انتقاد می‌کنند، زیرا این نوع از دموکراسی را بیش از حد بر عمل رأی‌گیری متمرکز می‌دانند [11]. شایان ذکر است نظریه پشتیبان انتخاب نماینده از میان عامه مردم، تئوری انتخاب اجتماعی است. این تئوری از آنجا که دموکراسی حداکثری را امری غیرممکن می‌داند، به دنبال پیاده‌سازی دموکراسی مبتنی بر نمایندگی است؛ در این نوع از دموکراسی رأی حداکثری مبنای عمل خواهد بود. در این فضا، حامیان حکمرانی مشارکتی این نقد را وارد می‌کنند که ادعای این نظریه مبنی بر عدم امکان تحقق دموکراسی حداکثری امری نادرست است و هیچ‌گاه نمایندگان نمی‌توانند نمایندگی عامه مردم را برعهده گیرند. در واقع این ادعای نادرست فضا را برای عده‌ای فراهم می‌آورد تا خود را به عنوان نماینده مردم معرفی نمایند و منفعت عامه در این حالت لزوماً محقق نخواهد شد.

بنابراین می‌توان گفت حکمرانی مشارکتی به دنبال مشارکت و همکاری اکثر ذی‌نفعان^۲ (مردم و نهادهای حکمرانی) در فرایند حکمرانی با روش‌هایی مانند تصمیم‌گیری جمعی و کار جمعی است و دارای سه ویژگی اختیاری بودن، آگاهانه بودن و هدفمند بودن است. در خصوص ویژگی هدفمند بودن مشارکت باید گفت که طیف متنوعی از اهداف در نظر ذی‌نفعان می‌تواند منجر به ایجاد انگیزه برای مشارکت آنها شود. مثلاً هدف دولت‌ها از مشارکت مردم در فرایند حکمرانی حل مشکلات، افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش انسجام در جامعه، افزایش پیشرفت و... است. اما مردم برای مشارکت در حکمرانی اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. برای مثال ملی‌گرایی، منفعت شخصی، نوع‌دوستی و یا رضایت الهی همگی می‌توانند محرک مشارکت ذی‌نفعان در هر جامعه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران شوند (شکل ۱). شایان ذکر است، این اهداف و انگیزه‌ها حدی (صفر و یکی) نیست، بلکه فازی است و ممکن است که افراد همزمان چند انگیزه متفاوت جهت مشارکت داشته باشند. البته باید توجه داشت که هر نوع مشارکتی پسندیده نیست؛ و مشارکتی مد نظر است که منجر به رشد و تعالی فرد و جامعه شود.

در اواخر قرن بیستم، «مشارکت» به یک کلمه رایج در سراسر علوم اجتماعی تبدیل شد. مشارکت تقریباً در فهرست راه‌حل‌های همه افراد برای معضلات اجتماعی ظاهر شد و اگر حکمرانی بیش از حد بالا به پایین بود، رویکرد مشارکتی نوید گسترش مسیرهای ارتباطی بین مقامات دولتی و شهروندان را می‌داد [6].

مشارکت در مناسبات حکمرانی یا حکمرانی مشارکتی اخیراً به طور گسترده‌ای در صحنه حکمرانی ظاهر شده است. حکمرانی مشارکتی روشی برای مقابله با طیف وسیعی از مشکلات و تعارضات است که در آن افراد به طور مرتب با مذاکره با یکدیگر و همکاری در اجرای این تصمیمات، به تصمیمات رضایت‌بخش و قانع‌کننده می‌رسند [7].

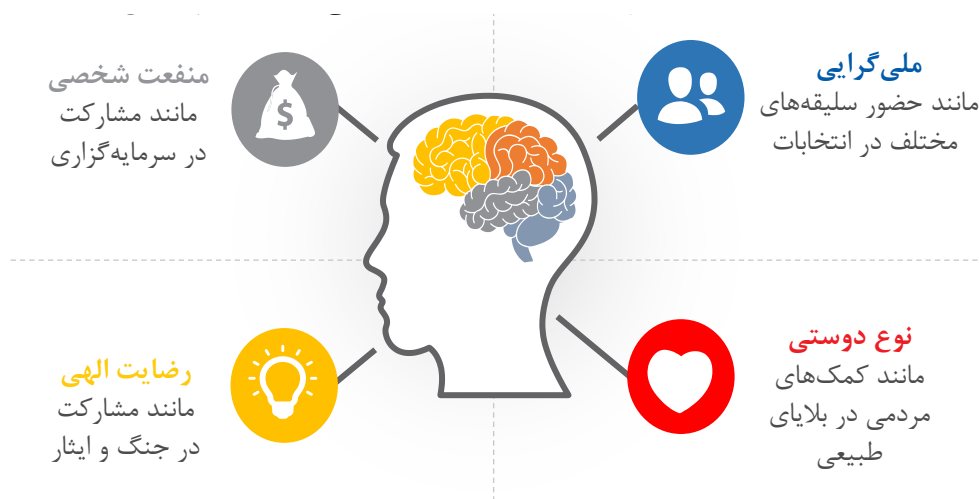
فیلیپ اشمیتز^۱ در تعریف حکمرانی مشارکتی آورده است: «حضور منظم و تضمین شده هنگام تصمیم‌گیری الزام‌آور نمایندگان آن دسته از گروه‌هایی است که تحت تأثیر سیاست اتخاذ شده قرار می‌گیرند» [8]. دانایی فرد و محدودی نیز حکمرانی مشارکتی را نوعی از حکمرانی تعریف می‌کنند که نقش آفرینان از سازمان‌های حکومتی، دولتی یا حوزه‌های خصوصی و اجتماعی در یک مسیر معین، سازنده و رو به جلو همکاری می‌کنند [9]. به زبان ساده، حکمرانی مشارکتی به همکاری بین بازیگران دولتی و اعضای جامعه مدنی در تدوین و گاه اجرای سیاست عمومی اشاره دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود این دو تعریف به نوعی نماینده دو شیوه از حکمرانی مشارکتی هستند که پیش‌تر در ابتدای این گزارش اشاره شده بود؛ تعریف اشمیتز بر مشارکت مردم و یا نمایندگان مردم در امر حکمرانی تأکید دارد و تعریف دانایی فرد بر مشارکت و هم‌افزایی نهادهای مختلف در یک نظام حکمرانی تثبیت شده.

حکمرانی مشارکتی می‌تواند به عنوان رویکردی برای دستیابی به توافق قابل قبول‌تر، غنی‌تر و پایدارتر بین نهادهای حکمرانی و مردم دیده شود. بسیاری از کارشناسان در زمینه حکمرانی مشارکتی استدلال می‌کنند که پیچیدگی و عدم قطعیتی که به عنوان یک مشکل سخت در تصمیمات توصیف می‌شود، در صورتی حل می‌شود که از طریق مشارکت طرف‌های مختلف که مستقیماً مسئول و تأثیرگذار در حل مشکل هستند، حل شود. حکمرانی مشارکتی این فرایند را از طریق تصمیم‌گیری جمعی تسهیل می‌کند [10]. حکمرانی مشارکتی توسط بسیاری از پژوهشگران به عنوان راهی بالقوه برای از بین بردن تصور از خود بیگانگی در رأی‌دهندگان و احساس سرخوردگی از روند سیاسی معرفی می‌شود و گفته می‌شود از مشارکت دادن شهروندان در

1. Philippe Schmitter

۲. ذی‌نفعان افراد یا سازمان‌هایی هستند که بر روی تصمیم یا فرایندی تأثیر می‌گذارند یا تأثیر می‌پذیرند یا فکر می‌کنند که تأثیرگذار یا تأثیرپذیرند (استاندارد ISO9001:2015).

شکل ۱. انگیزه‌های مردم جهت مشارکت در حکمرانی (یافته‌های پژوهش)



جایگاه رویکرد حکمرانی مشارکتی در میان سایر رویکردهای مشابه

است، همان‌طور که گفته شد برخی از این مفاهیم صرفاً به دلیل تأکیدیاتی که بر مشارکت در درون خود دارند بیان شده‌اند و خود آنها همچون حکمرانی شبکه‌ای و یا همکاری بخش عمومی - خصوصی عمدتاً به عنوان مدل‌های مستقل در ادبیات حکمرانی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

بررسی ادبیات این حوزه نشان می‌دهد که مفاهیم متعددی در ادبیات سیاستگذاری و حکمرانی وجود دارد که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر وجوهی از مفهوم مشارکت در امر حکمرانی دلالت دارند. در جدول زیر سعی شده تا مهم‌ترین مفاهیم مد نظر در این باره ذکر شوند. شایان ذکر

جدول ۲. مهم‌ترین مفاهیم در خصوص مشارکت

عنوان	توضیحات
Participatory Governance	این مفهوم بر مشارکت بین مردم و نهادهای حکمرانی تأکید دارد. بر این اساس مردم در فعالیت‌های مختلف یک نظام حکمرانی اعم از تعیین دستورکار تا اجرا و ارزیابی باید مشارکت فعال داشته باشند [12].
Collaborative Governance	بر اساس این مفهوم بخش‌ها و نهادهای مختلف حکمرانی با اهداف گوناگونی در کنار هم حاضر می‌شوند و امور مختلف حکمرانی را پیش می‌برند. [12] در این رویکرد عمدتاً یک نهاد که جزئی از نظام حکمرانی ^۱ است محور اصلی خواهد بود و سایر نهادها نیز به‌عنوان یاری‌دهنده در پیشبرد اهداف نهاد محوری، فعالیت دارند.



همکاری میان بخشی بر مشارکت میان حکومت، کسب‌وکارها، نهادهای غیرانتفاعی، خیریه‌ها و مجامع عمومی تأکید دارد. [9]. این مفهوم به نوعی با مفهوم Collaborative Governance دارای شباهت است، اما تفاوت آن دو در این است که در این مفهوم نهادهای مشارکت‌کننده با یک نهاد صرفاً جزئی از نظام حکمرانی نیستند و می‌توانند از نهادهای خصوصی و ... باشند.	Cross Sector Collaboration
این مفهوم ریشه در ادبیات مدیریت و کسب‌وکار مانند مباحث مطرح شده توسط دمینگ دارد. براین اساس حکمرانی تسهیم شده یک سیستم مبتنی بر ارزش می‌باشد که مسئولیت‌های همه بازیگران سیستم به صورت شفاف بیان شده است. به بیان دیگر در این رویکرد از عالی‌ترین مقام یک نظام حاکمیتی تا مردم عادی هر کدام باید نقشی در تعیین سیاست‌ها برعهده گیرند و وظایف مشخصی در این زمینه داشته باشند. این مفهوم عمدتاً در خصوص حکمرانی بخش‌های تخصصی مانند الگوی حکمرانی دانشگاه‌ها و یا در حوزه نظام سلامت و پرستاری به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد [13].	Shared Governance
این رویکرد سیستمی است که در آن با ادغام موضوعات مرتبط با پایداری با یکدیگر، به دنبال ایجاد ارزش و سود برای همه ذینفعان در بلندمدت است. در این رویکرد نیز بر وجوهی از مفهوم مشارکت تأکید شده است. طبق تعریف سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، در حکمرانی یکپارچه ایجاد هماهنگی میان نهادهای مختلف در یک نظام حکمرانی و بسیج و مشارکت و همکاری بازیگران مختلف بایکدیگر برای غلبه بر چالش‌های شناسایی شده ضروری است [14].	Integrated Public Governance
بیشی و همکاران در کتاب پراستناد خود، تئوری‌های حکمرانی، بیان می‌کنند که این نوع از حکمرانی بر ارتباط مستمر میان سطوح مختلف حاکمیت در قلمروهای متفاوت با یکدیگر توجه می‌کند [15]. در این رویکرد، توزیع قدرت به‌صورت عمودی و افقی منجر به شکل‌گیری انواع همکاری‌ها و مشارکت ذی‌نفعان با یکدیگر می‌شود.	Multi-Level Governance
بانک جهانی در یک تعریف عملیاتی از این مفهوم بر همکاری میان دولت و بخش خصوصی در زمان پیری و یا کمبود منابع در بخش دولتی تأکید دارد [16]. این مشارکت سبب می‌شود تا دولت بتواند خدمات و زیرساخت‌های مد نظر خود را با سرعت و کیفیت بیشتری فراهم آورد.	Public-Private Partnership
این مفهوم بر تعاملات میان بازیگران از اجتماعات سیاسی مختلف با یکدیگر تأکید دارد (خواجه نائینی، ۱۳۹۳).	Network Governance

از حکمرانی مشارکتی است که با حضور مؤثر مردم روی می‌دهد؛ براساس این منظور و نیز بررسی اجمالی جدول فوق و یافته‌های سایر تحقیقات این حوزه [37]، باید گفت که معادل لاتین حکمرانی مشارکتی در این گزارش Participatory Governance است. این مفهوم از یک سو براساس ادبیات مقصود مشارکت مردم در امر حکمرانی را می‌رساند و از سوی دیگر عمده مفاهیم دیگر بیان شده در ادبیات حکمرانی مشارکتی را پوشش می‌دهد.

در خصوص مفاهیم و توضیحات فوق باید به این نکته اشاره کرد همان‌طور که در حوزه سیاست‌گذاری و حکمرانی مطرح است، مفاهیم عمدتاً دارای تعاریف مطلقاً کامل و متمایزی نیستند؛ شاهد کلاسیک این ادعا نیز حجم تعاریفی است که از مفهوم «خط‌مشی»^۳ بیان می‌شود. بر این اساس در جدول فوق ممکن است برخی مفاهیم با یکدیگر دارای همپوشانی معانی باشند. نکته مهم دیگر در این گزارش آن است که مفهوم مورد نظر در این گزارش، آن نوع

1. Deming
2. Sustainability
3. Policy

دلائل اهمیت پرداختن به رویکرد حکمرانی مشارکتی در ایران

یک مدیر یا یک مسئول نمی‌تواند به سادگی آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و راجع به آنها تصمیماتی صحیح و قابل قبول اتخاذ نماید [18]. مثلاً اقتصاد، فرهنگ و سیاست از جمله مسائل پیچیده است که عوامل متعددی در آن تأثیر گذار است و حکمرانی را در این حوزه‌ها مشکل کرده است.

۳. محدودیت منابع: منابع و امکانات در هر کشوری محدود است و با تهدیدات مختلفی همراه است (مانند اتلاف، اتمام، اسراف و ...). به همین دلیل نیاز است تا جهت استفاده بهینه از این منابع و امکانات - بالاخص در شرایط تحریمی - مردم را نیز به عنوان ذی نفعان اصلی همراه کرد. مثلاً وقتی مردم خود را شریک منافع ملی نمی‌بینند، در مواقع بحرانی نیز تلاشی جهت صرفه جویی در استفاده از منابع آب، برق، گاز، بنزین و ... نمی‌کنند. برای مثال مصرف سرانه بنزین و گازوئیل در ایران ۲ برابر متوسط جهانی است.^۱ از سوی دیگر، اعتراضات مدنی در برخی موارد با ایجاد شورش‌هایی همراه می‌شود که ممکن است توسط عده‌ای خاص برنامه‌ریزی شده باشد و موجب ایجاد خساراتی به اموال عمومی شود [19]. حال وقتی مردم خود را در اموال و منابع دولتی ذی نفع و مالک نمی‌دانند دغدغه حفظ اموال و امکانات در آنها کاهش می‌یابد.

۴. ضعف فرهنگ مشارکت در جامعه: تجربه تاریخی نشان داده است که فرهنگ کارهای مشارکتی در کشور ضعیف است و این مسئله از همان ابتدای زندگی در ابعاد مختلف خودش را نشان می‌دهد. برای مثال از ابتدا کودکان در مدارس شیوه آموزش فردی را یاد می‌گیرند و در ادامه در حوزه ورزش نیز معمولاً رشته‌هایی که به صورت انفرادی برگزار می‌شود، موفق‌تر از رشته‌های تیمی و گروهی است.^۲ مقام معظم رهبری (مدظله) نیز «ضعف فرهنگ کار مشارکتی» را به عنوان یکی از نقاط ضعف و نقص ملی در بحث سبک زندگی و تحقق فرهنگ زندگی اسلامی مطرح کرده‌اند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البرِّ و التَّقوی»، یا: «واعتصموا بحبل الله جميعاً». یعنی حتی اعتصام به حبل الله هم باید دسته جمعی باشد؛» لا تفرقوا».

۵. سوگیری‌های شناختی و تورش‌های رفتاری: سوگیری شناختی نوعی خطای نظام‌مند در نحوه تفکر انسان است که بر تصمیمات و قضاوت‌هایی

همان‌طور که گفته شد، ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران از یک سو و تجارب انباشته شده حکمرانی در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی دیگر، نشان از ضرورت بهره‌مندی بیشتر از رویکرد حکمرانی مشارکتی در عرصه حکمرانی کشور دارد. در این بخش در ۶ سرفصل به مهم‌ترین دلایلی که ضرورت پرداختن به رویکرد حکمرانی مشارکتی در ایران را توجیه می‌کنند، پرداخته خواهد شد.

۱. تعارضات اجتماعی (حکومت‌گریزی): وقتی که از مشارکت‌های مردمی و جامعه‌نخبگانی در حوزه حکمرانی استفاده نشود به مرور زمان فاصله بین مردم و نهادهای حکمرانی زیاد می‌شود و انگیزه‌های حمایت‌های مردمی و حرکت‌های داوطلبانه اجتماعی کاهش می‌یابد. بدین ترتیب تنش‌ها، شکایات و اعتراضات به دلیل ابلاغ تصمیمات فردی برخی از مسئولین و در نظر نگرفتن منافع جمعی، افزایش یافته و توده جامعه به سمت حکومت‌گریزی و تنفر از نهادهای حکمرانی پیش می‌روند. بدین صورت، هر بهانه و درخواست صنفی به راحتی موجب بروز تعارضات اجتماعی و درگیری بین حکومت و مردم می‌شود. مانند اغتشاشات سال‌های اخیر به بهانه برخی از مسائل مانند افزایش قیمت بنزین، مسائل سیاسی مانند انتخابات، مسائل معیشتی و حتی مسائل اجتماعی و فرهنگی مانند قومیت‌گرایی، مسائل اعتقادی و ... به هر صورت باید گفت که جذب سرمایه‌های اجتماعی مسئله بسیار مهمی است که در حکمرانی مشارکتی به آن پرداخته می‌شود. مطالعات انجام شده بر روی سرمایه اجتماعی نیز نشان می‌دهد که نوع تصمیم‌گیری حکمرانان در افزایش و یا کاهش سرمایه اجتماعی تأثیر گذار است و به عنوان یک پشتیبان برای سرمایه اجتماعی شناخته می‌شود [17].

۲. پیچیدگی مسائل حکمرانی و اثرگذاری عوامل متعدد: تصمیم‌گیری در خصوص مسائل مرتبط با حکمرانی ماهیتی چندبعدی و پیچیده دارد و دامنه اثرگذاری و اثرپذیری بالایی در سطح اجتماع دارد. بنابراین، به دلیل پیچیدگی مسائل مربوط به امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی وقتی تصمیمات فردی می‌شود، میزان اشتباهات و آسیب‌ها نیز بیشتر می‌شود و از سوی دیگر وقتی تصمیمات به صورت جمعی و با مشارکت ذی نفعان گرفته می‌شود، از اثر بخشی و کارایی بیشتری برخوردار است [10]. از طرفی، به دلیل پیشرفت‌های علمی در حوزه‌های مختلف، ریشه‌یابی علت‌ها و استخراج راه‌حل‌ها بسیار سخت شده است و

1. <http://fna.ir/5f9hv>

2. irna.ir/xjj4T6

۳. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳ و بیانات در دیدار وزیر علوم و اساتید دانشگاه، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳.



۶. در نظر نگرفتن تأثیر مبانی فکری و نظام ارزشی مردم در

تصمیم و اجرا: مطالعات در خصوص تصمیم‌گیری افراد نشان می‌دهد، علاوه بر تمایلات، خواسته‌ها و اهداف خصوصی فرد، ارزش‌های او نیز به‌عنوان عامل مهم دیگری در تصمیم‌گیری‌های افراد شناخته می‌شود. به‌طوری که ارزش‌های فرد را می‌توان مجموعه‌ای از آرمان‌های انتزاعی تعریف کرد که فکر و عمل او را شکل و جهت می‌دهد. تصمیم را انسان می‌گیرد، ولی عرف و آداب و رسوم، مصلحت و رعایت منافع افراد و گروه‌های گوناگون، او را مجبور می‌کند که در چارچوبی خاص و به شیوه‌ای خاص تصمیم‌گیری کند [24].

از طرفی، ماهیت انسان در اسلام و غرب کاملاً متفاوت بوده و به‌دلیل نگاه متفاوت به انسان، جامعه و مناسبات بین آنها در رویکرد اسلامی و غربی، پرداختن به مسئله حکمرانی مشارکتی به‌عنوان یک مسئله سیاسی و اجتماعی با استفاده از مبانی اسلامی کاملاً ضروری به‌نظر می‌رسد. برای مثال انسان در مبانی اسلامی دارای انگیزه الهی، نوع دوستی، فداکاری و از خودگذشتگی، توجه به آخرت و تقوا و ... است، در حالی که در انسان غربی چنین مفاهیمی موضوعیت ندارد و انسان در چارچوب نظری اومانیسم، همه هویتش در مادیات خلاصه می‌شود و همواره خودخواهی، نفع شخصی و تمایل به بهزیستی مادی، انگیزه نیرومندی است که از گهواره تا گور، همراه فرد است [25].

چیستی و چگونگی تأثیر مبانی فکری و نظام ارزشی بر تصمیم‌گیری به‌عنوان جوهره فعالیت‌های حکمرانی، موضوعی بحث‌برانگیز و حائز اهمیت است و بررسی تأثیر اندیشه و رویکرد اسلامی بر فرایند تصمیم‌گیری، در منظومه مطالعات مدیریت و حکمرانی جایگاهی اساسی دارد [26]. برای مثال یکی از چالش‌های حکمرانی در حوزه اقتصاد، مسئله بانک‌هاست که از جهتی باید ملزم به رعایت دستورات و احکام اسلامی باشند و از جهت دیگر به‌دلیل شیوه عملکرد آنها که برگرفته از نظام غربی است، باید به‌دنبال منافع خود و کسب سود باشند. این رویکرد دوگانه، چالش‌هایی را به‌وجود آورده است و آسیب‌هایی را به همراه داشته است.

با توجه به توضیحاتی که ارائه شد می‌توان مسائل مطرح شده در حکمرانی مشارکتی را به‌صورت خلاصه در شکل ۲ نشان داد.

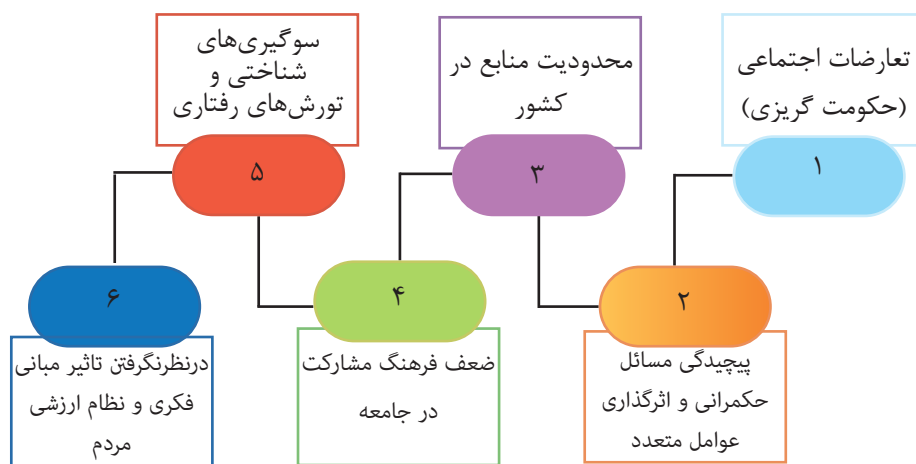
که افراد انجام می‌دهند تأثیر می‌گذارد [20] تورش‌های رفتاری نیز به‌عنوان «اشتباهات سیستماتیک» در تصمیم‌گیری رفتار تعریف شده است. بسیاری از اشتباهات در تصمیم و رفتار، به‌دلیل ضعف‌های شناختی و سوگیری‌های ذهنی است [21].

همان‌طور که بیان شد، هدف اصلی حکمرانی مشارکتی به‌صحنه آوردن عامه مردم به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی در فرایند حکمرانی و درگیر کردن آنها با استفاده از تصمیم‌گیری جمعی است [22]. این در حالی است که به‌نظر می‌رسد در خیلی از اوقات درک مناسبی از نحوه تصمیم‌گیری، رفتار و مدل‌های ذهنی افراد وجود ندارد. مثلاً عوامل غیر عقلایی مانند احساسات، فرهنگ، شخصیت، دین و ایدئولوژی از عواملی هستند که نقش بسزایی در تصمیمات افراد دارند و تا وقتی که مدل‌های ذهنی و فرایند رسیدن به شناخت در مردم فهم نشود، ممکن است حکمرانان را دچار اشتباه محاسباتی و خطای ادراک کند. در علوم کلاسیک فرض بر این است که افراد در تصمیم‌گیری هایشان منطقی برخورد می‌کنند و به‌دنبال حداکثر کردن سود و منفعت خود هستند و با این نگاه در حکمرانی مشارکت می‌کنند، در حالی که واقعیت نشان داده است که افراد همیشه این‌گونه نیستند و به‌صورت منطقی و آگاهانه تصمیم نمی‌گیرند و سوگیری‌های متعددی در تصمیم‌های آنان وجود دارد و یا برخی از افراد هستند که در تصمیمات و رفتارشان از خودگذشتگی و ایثار نشان می‌دهند [65].

بنابراین، برای فهم صحیح از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مردم و برای فهم الگوهای ذهنی آنان جهت مشارکت در فرایند حکمرانی، می‌توان از علوم کمک‌کننده‌ای مانند علوم شناختی و رفتاری و روان‌شناسی اجتماعی استفاده کرد [23]. به‌نظر می‌رسد تحلیل این‌گونه مسائل در فضای حکمرانی بسیار مفید باشد، زیرا جنگ امروز دشمنان با نظام اسلامی بیش از هر چیزی، جنگ شناختی است.

در این خصوص باید بررسی کرد که حکمرانان چه باید کنند که مردم منافع ملی را بر منافع فردی ترجیح دهد؟ یا چرا در برخی از تصمیمات، مسئولان و یا مردم دچار اشتباه محاسباتی و سوگیری در تصمیم‌گیری می‌شوند؟ اگر با این عینک به مسائل نگاه شود ریشه بسیاری از اشتباهات شناسایی می‌شود؟ برای مثال چرا با وجود عهدشکنی‌هایی که توسط دولت‌های غربی از اول انقلاب تاکنون مشاهده شده است باز موضوع مهمی مانند برجام در عرض ۲۰ دقیقه در مجلس تصویب می‌شود؟

شکل ۲. مهم‌ترین دلایل ضرورت پرداختن به حکمرانی مشارکتی در کشور



همان‌طور که بحث شد براساس ۶ دلیل فوق، ضرورت پرداختن به رویکرد حکمرانی مشارکتی در کشور احساس می‌شود.

[مهم‌ترین مشکلات پیاده‌سازی رویکرد حکمرانی مشارکتی در کشور]

ایجاد می‌شود و باعث می‌شود استفاده از نظرات مردم در تصمیم‌گیری کاهش یابد [29].

پ) نفوذ، لابی، تطمیع و تهدید: نفوذ، لابی، تطمیع و تهدید در ساختارهایی که تصمیمات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اتخاذ می‌شود، می‌تواند مانع ایجاد کند. نفوذ در بین نمایندگان در موقعیت‌های تصمیم‌گیری که در آن نمایندگان باید از بین گزینه‌های مختلف، یکی را انتخاب کنند، ممکن است تأثیر قابل توجهی در تصمیمات مشارکتی و به تبع آن، بر حکمرانی مشارکتی داشته باشد [30]. زیرا، افراد تحت تأثیر فشار گروهی ممکن است نظری را ارائه می‌دهند که نظر واقعی خودشان نیست و بر آنان تحمیل شده است و در چنین مواقعی مشارکت در تصمیم‌گیری اثربخش نیست [29].

ت) ساختار نامناسب و افراد ناسازگار با مشارکت: ممکن است ساختار اداری جامعه بسیار بوروکراتیک باشد و اجازه مشارکت به افراد را ندهند و یا برخی از مدیران و مسئولان نهادهای حکمرانی کشور دارای شخصیتی فردگرا، مستبد و یا منفعت طلب باشند و از رویکردهای مشارکتی استقبال نکنند. هر چند که حکمرانی مشارکتی در کشورهای در حال توسعه به‌طور گسترده به‌عنوان یک پیش‌نیاز اساسی برای اجرای موفقیت‌آمیز پروژه‌های عمومی تلقی می‌شود. با این حال، چالش‌های

علی‌رغم اهمیت و ضرورت پرداختن به رویکرد حکمرانی مشارکتی در کشور مشکلاتی در مسیر پیاده‌سازی این رویکرد وجود دارد. در ادامه برخی از مهم‌ترین مشکلات شناسایی شده در این مسیر اشاره خواهد شد.

الف) تفرقه: تفرقه به معنای پراکنده کردن و تکه تکه کردن است و نقطه مقابل وحدت و یکی از موانع مهم مشارکت به حساب می‌آید. یکی از روش‌های ایجاد تفرقه دوقطبی‌سازی است. افکار و عقاید متفاوت که منجر به ایجاد شکاف و گسل در جامعه می‌شود به‌طور طبیعی در همه جوامع وجود دارد، اما بستگی دارد که حکمرانان و رسانه‌ها آن را چگونه مدیریت نمایند. دوقطبی‌سازی ممکن است باعث آشوب و به حاشیه رفتن مشارکت واقعی شود [27].

برخی از صاحب‌نظران تحولات ساختاری و تراکم شکاف‌های اجتماعی را عامل دوقطبی شدن جامعه ایران می‌دانند [28]. بعضی از پژوهشگران نیز شواهد متعددی پیدا کرده‌اند که نشان می‌دهد رسانه‌های اجتماعی می‌توانند باعث افزایش دوقطبی شدن سیاسی یا عقیدتی در جامعه شوند [27].

ب) تعصب: اگر افراد با هدف حل مشکلات به اظهار نظر نپردازند و رفتار نکنند و فقط بر نظر خویش پافشاری و اصرار ورزند، خود رأیی و تشتت آرا



زیادی برای بوروکرات‌های عمومی از نظر مهارت‌ها و تمایل آنها برای مشارکت دادن شهروندان ایجاد می‌کند [31]

امام علی (ع) نیز در مذمت این گونه از افراد می‌فرماید: «در رأی خود، خودرأیی مکن، هر که خودرأیی کند هلاک می‌شود».^۱ عدم توجه به این نکته در بسیاری از مواقع آسیب‌های جدی به همراه داشته است. مسئله دیگری که در این خصوص وجود دارد این است که با اجرای رویکرد حکمرانی مشارکتی، ممکن است منافع عده‌ای به خطر بیفتد و از این جهت فردگرایی را دنبال می‌کنند. زیرا با اجرایی شدن این نوع از حکمرانی، نظارت مردمی و شفافیت افزایش می‌یابد و عملاً امضاهای طلایی، تمرکزگرایی و تصدیگری کاهش خواهد یافت و رانت و فساد کمتر خواهد شد. از این رو ممکن است با اجرا شدن این رویکرد مخالفت کنند. اگر اعضای مشارکت کننده منافع فردی خود را به منافع جامعه ترجیح دهند، از اثر بخشی حکمرانی مشارکتی کاسته می‌شود [32]

ج) تجمیع ترجیحات متنوع فردی: با توجه به اینکه در اکثر مواقع تصمیم‌گیری در فضای حکمرانی، افراد زیادی را در برمی‌گیرد؛ طبق نظریه انتخاب اجتماعی،^۲ معمولاً مانع اصلی در تصمیم‌گیری مشارکتی و بالطبع حکمرانی مشارکتی، تجمیع ترجیحات متنوع فردی است. زیرا، گرچه در عمل اهداف اغلب برای افراد مشخص است، اما اطلاعات موجود برای هر فرد و توانایی آنها در استفاده بهینه از این اطلاعات، متفاوت است. همچنین، مدل‌های ذهنی تصمیم‌گیرندگان همراه با عوامل سازمانی، سیاسی، شخصی و عوامل دیگر بر انتخاب افراد از مجموعه اطلاعات موجود تأثیر می‌گذارد و لزوماً نیز به‌طور بهینه پردازش نمی‌شوند [33]. بنابراین، به میزانی که تعداد تصمیم‌گیران در فرایند حکمرانی افزایش یابد، نظرات افراد متنوع‌تر و پیچیدگی فرایند تصمیم‌گیری نیز بیشتر خواهد شد [34]

این حالت وقتی تشدید می‌شود که روحیه تبعیت‌پذیری در افراد پایین باشد و عملاً افراد در یک گروه از سرگروه و یا مردم از مسئولان عالی اطاعت‌پذیری نداشته باشند.^۳ برای مثال، تصمیماتی که در خصوص مسائل اقتصادی گرفته می‌شود، به دلیل اینکه دامنه شمول وسیعی دارد و کارشناسان این حوزه نیز نظرات متنوعی دارند، تجمیع این نظرات و رسیدن به یک راه‌حل متقن زمانبر و پیچیده است. مثلاً، حذف ارز ترجیحی از برخی اجناس و یا اصلاحات اقتصادی، به دلیل دامنه تأثیرگذاری زیاد و نظرات مختلفی که در بین مردم و کارشناسان وجود دارد، تجمیع نظرات و تصمیم‌گیری جمعی را سخت کرده است و عملاً اطاعت‌پذیری در تصمیم‌نهایی کم‌رنگ می‌شود.

چ) جهت‌دهی ناخودآگاه ذهن مسئولان در تعیین اولویت‌ها:

مشارکت در حکمرانی ممکن است به دلایل مختلف (مثل امپراتوری رسانه) به گونه‌ای پیش رود که ظاهراً طیف وسیعی از مردم مشارکت

دارند، اما در عمل فقط چندین بازیگر نقش اصلی داشته باشند و مابقی افراد توسط گروه کوچکی جهت‌دهی می‌شوند. در این مواقع مشارکت حالتی نمایشی و ظاهری به خود می‌گیرد. اداری شدن مشارکت و حضور مکانیکی اعضا در شوراها نیز از جمله مشکلاتی است که در این فضا به وجود می‌آید. در چنین حالتی افراد به عنوان رفع تکلیف در شورا شرکت می‌کنند و این امر از اثربخشی حکمرانی مشارکتی می‌کاهد [32]. در این گونه موارد، تصمیم‌گیرندگان نهایی می‌توانند تحت تأثیر افراد و رسانه‌های تبلیغاتی قرار گیرند و حکمرانان را در کشف مسائل و بیان اولویت‌ها، دچار سوگیری کند و حتی ذهن افراد را به سمت خاصی جهت‌دهی کنند و یا آنها را در تعیین اولویت‌ها دچار اشتباه کنند [35]

ح) عدم فهم صحیح دستاوردهای حکمرانی مشارکتی: هنوز فهم کامل و صحیحی نسبت به مفهوم حکمرانی مشارکتی حاصل نشده است. این مسئله عوامل متعددی دارد از جمله اینکه این رویکرد به خوبی برای حکمرانان تعریف نشده است و فواید به کارگیری آن به خوبی تبیین نشده است؛ یا برخی از مسئولان ممکن است این روش را روشی وقت‌گیر و خسته‌کننده می‌دانند. مثلاً تصمیم‌گیری‌های مشارکتی معمولاً از نظر زمانی وقت بیشتری را صرف می‌کند، بنابراین معتقدند هر وقت از نظر زمانی محدودیت وجود دارد، این رویکرد روش مؤثری نیست [36].

خ) نبود روش‌ها و ابزارهای مناسب جهت مشارکت: ممکن است بعضی از حکمرانان به عملیاتی کردن این رویکرد مشتاق باشند، ولی در عمل ممکن است ندانند که از کجا باید شروع کنند و چه ابزارها و روش‌هایی را می‌توانند به کار گیرند. بنابراین، حکمرانی مشارکتی نیاز به ساختار و ابزارهایی برای سهیم کردن مردم و انجام وظایف حکمرانی دارد [37] و تا زمانی که این سازوکارها، سامانه‌ها و روش‌ها مشخص نشود، حکمرانی مشارکتی توفیقی نخواهد داشت. گفتنی است، تاکنون روش‌های مختلفی جهت اجرای حکمرانی مشارکتی در جهان استفاده شده است که می‌توان از آنها الگوبرداری کرد و یا آنها را بومی ساخت.^۱ بنابر آنچه که توضیح داده شد، می‌توان مهم‌ترین موانع پیاده‌سازی موفق حکمرانی مشارکتی را به صورت شکل ۳ نشان داد.

2. Social Choice Theory

۳. در مبانی اسلامی جهت حفظ انسجام و پیشرفت در جامعه بر اطاعت‌پذیری از خدا و رسول و اولی الامر در جامعه بسیار تأکید شده است (آیه ۵۹ سوره نساء).

۲. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۵۷۳.

شکل ۳. هشت مشکل مهم در پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی در کشور



۱. این موارد در گزارش ابزارهای حکمرانی مشارکتی در ایران و جهان توضیح داده خواهند شد.



[دستاوردهای مهم حکمرانی مشارکتی]

توسعه را سریع‌تر ارتقا دهد، نقش تعیین‌کننده‌ای برای بازسازی اعتماد و هویت ملی ایفا کند [41] و اطلاعات، نفوذ و همبستگی خودشان را افزایش دهند [42]. انسجام نیز یکی از عوامل مهم دوام یافتن روابط اجتماعی و موفقیت جامعه است. تجربه نشان می‌دهد که جوامع زیادی تاکنون به دلیل نداشتن انسجام، شکست خورده‌اند و یا از بین رفته‌اند. انسجام بین بخش‌های مختلف حکمرانی و همچنین بین مردم و نهادهای حکمرانی باعث می‌شود که دستگاه‌های حکمرانی هنگام مواجهه با مسائل و محرک‌های مختلف، به‌عنوان یک موجودیت واحد عمل کنند [43].

مقام معظم رهبری (مدظله) در خصوص همکاری صمیمانه با دیگر دست‌اندرکاران مدیریت کشور و انسجام بین آنها می‌فرماید: «یکی از مشکلات کشور ناهماهنگی بوده؛ ناهماهنگی مسئولان سه قوه و بدنه سه قوه. حالا گاهی مسئولان هم با هم رفیقند، می‌نشینند دور هم و توافق می‌کنند، اما بدنه توافق نمی‌کند! این اشکال ایجاد می‌کند در اداره کشور؛ این دیگر تجربه سال‌های متمادی ماست. باید همکاری صمیمانه وجود داشته باشد؛ گروکشی نباید وجود داشته باشد؛ معارضه بی‌معنا نباید وجود داشته باشد. همکاری صمیمانه با دولت، با دستگاه قضایی، با دیگران؛ همکاری کنند برای پیشرفت کارهای درست کشور».

شایان ذکر است، از بین بردن سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی یکی از مواردی است که دشمنان نظام اسلامی به‌طور جدی دنبال می‌کنند. به همین دلیل، شناسایی عوامل مؤثر در همگرایی افراد جامعه و بخش‌های مختلف حکمرانی و نیز تقویت انسجام بین آنها از اهمیت بالایی برخوردار است.

انسجام در جامعه از طریق افزایش تعهد بین توده جامعه نسبت به حل مسائل حکمرانی، اعتمادسازی بین مردم و نهادهای حکمرانی، اتحاد بین مردم، کاهش تعارضات و مردم و همچنین هماهنگی بیشتر بین آنها ایجاد می‌شود. به‌نظر می‌رسد با استفاده از شیوه حکمرانی مشارکتی می‌توان مقدار قابل توجهی انسجام و وحدت را در جامعه افزایش داد و سرمایه اجتماعی نظام را تقویت کرد. زیرا مردم به انجام امور مربوط به جامعه و دولت متعهد می‌شوند و خود را به‌عنوان بازیگر در عرصه حکمرانی به حساب می‌آورد. تجربه سالیان گذشته نیز نشان داده است که هر زمانی که به مردم اعتماد شده است و آنها وارد صحنه شده‌اند، توانسته‌اند با انسجام و وحدت، مشکلات را حل کنند. برای مثال در جریان جنگ تحمیلی، با وجود مشکلات و فشارهای زیادی که در طول ۸ سال بر مردم وارد شد، بنابر ابتکار امام خمینی (ره) با تشکیل بسیج مستضعفین مردم در صحنه جنگ و در سایر بخش‌های سازندگی و حتی سیاسی حضور پیدا کردند و با انسجام و همدلی، یک نقطه ضعف و یک

برای حکمرانی مشارکتی دستاوردها و فواید زیادی متصور است که با بررسی‌های صورت گرفته تعدادی از این دستاوردها استخراج شده است که در ادامه به‌صورت مختصر به آنها اشاره می‌شود:

۱. افزایش رشد و تعالی در جامعه: اساساً هدف از تشکیل نظام اسلامی، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به‌منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلّقوا بأخلاق...) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه اتفاق نمی‌افتد. با توجه به این موضوع، بند هشتم اصل سوم قانون اساسی چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع ضروری می‌داند. پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که رویکردهای مشارکتی در رفع بسیاری از ناکارآمدی‌های اجتماعی و رسیدن به پیشرفت در جامعه مؤثر است و پیشرفت در یک کشور و یا یک سازمان با مشارکت افراد یک جامعه یا سازمان سریع‌تر صورت می‌گیرد [38]. زیرا، رویکرد مشارکتی فضایی را در جامعه ایجاد می‌کند که منجر به همکاری، هم‌افزایی و رشد در بین افراد می‌شود [39]. در این فضا افراد می‌توانند شایستگی‌های خود را بهبود دهند و استعدادهای خود را شکوفا کنند و سریع‌تر رشد کنند [40].

می‌توان گفت لازمه تحول در جامعه مشارکت مدنی است و بدون مشارکت امکان هیچ تحول و پیشرفت اساسی وجود ندارد. رشد در جامعه به‌واسطه حکمرانی مشارکتی با استفاده از افزایش انگیزه در افراد جامعه، افزایش سطح تلاش در عموم مردم، افزایش دانش، هم‌افزایی بین افراد جامعه و شکوفایی استعدادها صورت می‌گیرد. تجربه تعدادی از کشورهای اروپایی از قبیل روسیه نشان می‌دهد که حکمرانی مشارکتی می‌تواند به میزان قابل ملاحظه‌ای بر شتاب پیشرفت علمی - تکنولوژیکی، فعال‌سازی تولید، نوسازی بموقع ساختارها و روش‌های مدیریت و غیره تأثیر گذارد [5]. در کشورمان نیز در مواقعی که امور با مشارکت مردم انجام شد، پیشرفت بیشتری حاصل شده است. مانند مشارکت مردم در تولیدات علمی، کمک‌های مردمی در مهار کرونا، کمک در تأمین امنیت، تشکیل اردوهای جهادی، توزیع کمک‌های معیشتی به اقشار آسیب‌پذیر و ...

۲. تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام: سرمایه اجتماعی یک دارایی گرانبها برای هر کشوری است و یکی از ویژگی‌های اولیه جوامع سازمان‌یافته اجتماعی است که به شهروندان این فرصت را می‌دهد تا مشکلات جمعی را راحت‌تر حل کنند، دسترسی به منابع را ارتقا دهد،

تهدید را به نقطه قوت و فرصت تبدیل کردند.

۳. تقویت عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی به توزیع مزایا و مسئولیت‌ها در جامعه اشاره دارد. غالباً پژوهش‌ها نشان می‌دهد حکمرانی مشارکتی می‌تواند زمینه لازم را برای رسیدن به عدالت بیشتر فراهم کند. افزایش عدالت در حکمرانی با کمک دو ابزار نظارت مردمی و افزایش شفافیت صورت می‌گیرد و رویکرد مشارکتی دقیقاً زمینه را برای به کارگیری این دو ابزار فراهم می‌کند. از این رو یکی از نقش‌هایی که مردم می‌توانند در حکمرانی مشارکتی ایفا کنند، نقش نظارتی آنان است. این روش نیز به مرور زمان باعث کاهش فساد و افزایش عدالت در امور حکمرانی می‌شود. در خصوص افزایش نظارت مردمی در نهادهای حکمرانی، ابزارها و سامانه‌های مختلفی طراحی شده و نهادهای مرتبط با آنها موظفند که گزارشات مردمی را دریافت کنند و آن را تارسیدن به نتیجه مطلوب دنبال نمایند؛ مانند کمیسیون اصل نودم مجلس شورای اسلامی، دیوان محاسبات کشور، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان تعزیرات حکومتی، حراست و بازرسی ادارات، سامانه ۱۹۸ خبرگزاری صدا و سیما، سامانه سوت‌زنی قوه قضائیه، وزارت اقتصاد و وزارت کار و تعاون اجتماعی، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و ... اگر دو ابزار نظارت مردمی و افزایش شفافیت اتفاق بیفتد، خروجی‌های مهمی که در این حوزه کسب می‌شود عبارتند از کاهش تبعیض بین مسئولان و مردم، توزیع عادلانه قدرت، کاهش فساد و کاهش تعارض منافع.

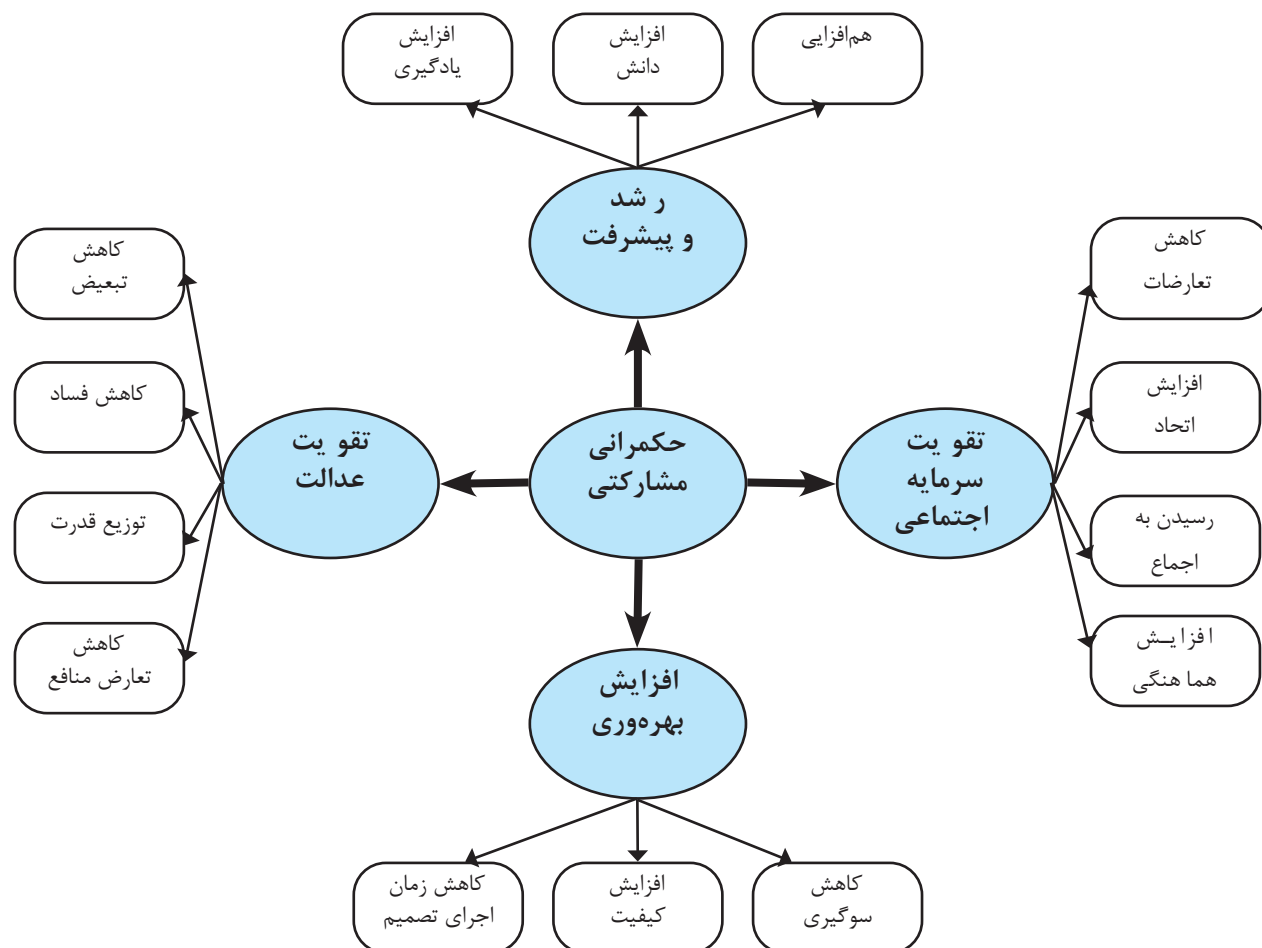
۴. افزایش بهره‌وری: ویلگر^۱ (۵۹۹۱) بهره‌وری را به عنوان نسبت خروجی‌ها به ورودی‌ها یا منافع به هزینه‌ها و منابع تعریف می‌کند [44]. حکمرانی مشارکتی می‌تواند روش مناسبی برای استفاده از منابع و کمک‌های مردمی و کاهش هزینه‌ها باشد. البته این موضوع وقتی افزایش می‌یابد که انگیزه امور عام‌المنفعه در مردم تقویت شود و مردم نیز به هزینه شدن منابع در جهت منافع عمومی، اعتماد کنند (مانند کمک‌های

مردمی در بازسازی مناطق و مردم آسیب‌دیده از سیل و زلزله، کمک‌های مردمی به مراکز بهزیستی، کمیته امداد، مراکز نیکوکاری، خیریه‌ها و ستاد دیه و ...). در حکمرانی مشارکتی افزایش بهره‌وری به وسیله کاهش اتلاف منابع، افزایش دقت تصمیمات، کاهش زمان اجرای تصمیم، افزایش نظارت‌ها و افزایش کمک‌های مردمی اتفاق می‌افتد.

مثلاً یکی از موضوعاتی که در حکمرانی مشارکتی مطرح می‌شود، همفکری مردم و نخبگان در فضای تصمیم‌گیری است که منجر به افزایش کیفیت تصمیمات مسئولان می‌شود. ساده‌ترین استدلال برای این موضوع، مبتنی بر «خرد جمعی» است. با کمک خرد جمعی، یک تصمیم مشارکتی همیشه دقیق‌تر از تصمیم فردی است، زیرا باعث کاهش سوگیری‌ها و افزایش کیفیت و اثربخشی تصمیم‌های حکمرانان می‌شود. بنابراین، تصمیم‌گیری کل مجموعه نسبت به هر زیرمجموعه (انفرادی) همیشه بهتر است [45]. یعنی بهتر است از حداکثر اطلاعات و توان موجود در افراد استفاده شود [46]. محققان نیز پیشنهاد می‌کنند که شرکت تعداد بیشتری از افراد در تصمیم‌گیری‌های پیچیده مناسب‌تر است [47].

بنابراین، با کمک به کارگیری این شیوه در حکمرانی است که می‌توان به طریق صحیح در انجام امور دست یافت و از میان راه‌های مختلف راه اصلح را برگزید و با یاری جستن از مشارکت و مشورت است که مخاطرات تصمیم‌گیری کاهش یافته، ضمانت اجرای تصمیم‌ها بیشتر شده و روحیه افراد تقویت می‌گردد [18]. با توجه به مطالبی که گفته شد می‌توان دستاوردهای حکمرانی مشارکتی را به صورت خلاصه در شکل ۴ نشان داد.

شکل ۴. دستاوردهای مهم حکمرانی مشارکتی



در جدول ۳ مفاهیم مرتبط با مدل دستاوردهای حکمرانی مشارکتی توضیح داده شده است.

جدول ۳. مفاهیم مرتبط با دستاوردهای حکمرانی مشارکتی

منابع	تعریف	شاخص
تقویت سرمایه اجتماعی		
[32], [48]	تعارض زمانی رخ می‌دهد که رقبا به دنبال آسیب رساندن به مخالفان خود برای رسیدن به منافعشان هستند، اما حکمرانی مشارکتی فضایی را ایجاد می‌کند تا به وسیله تصمیم‌گیری جمعی بتواند اختلافات و تعارضات بین نهادهای حکمرانی و مردم را کاهش دهد.	کاهش تعارضات

[49], [47]	از اتحادها برای هماهنگی فعالیت‌های مختلف ذی‌نفعان استفاده می‌شود. در حکمرانی مشارکتی افراد برای تشکیل یک جامعه تقریباً یک‌دست، با یکدیگر متحد می‌شوند و برای حل یک مشکل جمعی، هم‌زمان تلاش می‌کنند. نکته قابل‌توجه اینکه، رهبران الهام‌بخش (کاریزما) از شیوه جمعی برای هدایت و متحد کردن افراد استفاده می‌کنند.	افزایش اتحاد
[49], [45]	افراد در حکمرانی مشارکتی به‌دنبال رسیدن به توافق بر سر یک نتیجه مطلوب هستند و در این‌خصوص به اجماع می‌رسند. اجماع در موضوعات کلیدی بستری را برای بسیج اعضا و تداوم حرکت در فعالیت فراهم می‌کند.	رسیدن به اجماع
[50]	هر چه تجربه و مدل‌های ذهنی افراد به هم نزدیک‌تر باشد، مشکلات کمتری وجود خواهد داشت و هر چه این تفاوت بیشتر می‌شود، سوء تفاهم و ناهماهنگی تشدید می‌گردد. حکمرانی مشارکتی بستری را فراهم می‌کند که افراد بتوانند با نهادهای حکمرانی هماهنگ‌تر شوند.	افزایش هماهنگی
رشد و پیشرفت		
[47], [51], [52], [53], [54]	تنوع در سطح و میزان دانش افراد در حکمرانی مشارکتی، یادگیری را افزایش می‌دهد و توانایی گسترده‌تر و عمیق‌تری برای درک محیط اطراف ایجاد می‌کند.	افزایش یادگیری
[47], [52], [55], [53], [54]	تعاملات اجتماعی در حکمرانی مشارکتی امکان انتقال دانش در بین افراد را فراهم می‌کند و منجر به افزایش سطح دانش در اعضای جمع می‌شود. دانشی که در یک جمع وجود دارد نسبت به هر کدام از اعضا بیشتر است.	افزایش دانش
[47]	الهام‌بخشی تلقین، برانگیختگی، ایجاد احساس یا انگیزه در فرد است که وقتی افراد در جمع قرار می‌گیرند، بیشتر ایجاد می‌شود.	الهام‌بخشی
تقویت عدالت اجتماعی		
[56], [57]	یکی از اهداف عدالت اجتماعی غلبه بر تبعیض است. وقتی همه افراد بتوانند آزادانه نظرشان را اعلام کنند و در تصمیم‌گیری شرکت کنند، تبعیض بین افراد کاهش می‌یابد.	کاهش تبعیض
[58]	در حکمرانی مشارکتی، افزایش شفافیت آرا و نظرات اتفاق می‌افتد و همین موضوع از سوءاستفاده از قدرت و تصمیمات اشتباه جلوگیری می‌کند.	کاهش فساد
[59], [60], [61]	مسئله عدالت مسئله قدرت است و یکی از مهم‌ترین قدرت‌ها در جامعه، قدرت حکمرانی است. وقتی حکمرانی مشارکتی تصمیم‌گیری به‌صورت مشارکتی و توزیع شده می‌شود، قدرت نیز توزیع می‌شود.	توزیع قدرت



کاهش تعارض منافع	آگاهی از تصمیمات یکدیگر باعث خود نظارتی در حکمرانی می‌شود و در نتیجه از منفعت‌طلبی و تعارض منافع جلوگیری می‌کند.	[62], [63], [64]
افزایش بهره‌وری		
کاهش سوگیری	سوگیری یعنی متمایل شده به جهتی خاص در تصمیم‌گیری و در نظر نگرفتن همه جوانب. افراد وقتی که با یکدیگر تبادل نظر می‌کنند و جمعی تصمیم می‌گیرند، باعث کاهش سوگیری و انجام بحث‌های عمیق‌تر با ذی‌نفعان حکمرانی و ادغام بهتر ایده‌ها می‌شود.	[65], [55],
افزایش کیفیت تصمیم	دانش بیشتری که یک جمع نسبت به یک فرد دارد، کیفیت تصمیم‌گیری را در کارهای پیچیده تا حدی زیادی افزایش می‌دهد.	[55], [43], [47], [66]
کاهش زمان اجرای تصمیم	تصمیم‌های اخذ شده در تصمیم‌گیری جمعی از ارزش بیشتری برخوردار است و اجرای آن آسان‌تر است و کارکنان با تعهد و علاقه بیشتری تصمیم را اجرا می‌کنند.	[67], [18],

[جمع‌بندی و پیشنهادها]

فرهنگ مشارکت را در دستور کار قرار دهند. با توجه به ضعف فرهنگ کار جمعی در کشور، ضروری است برنامه‌هایی برای فرهنگ‌سازی در جامعه برای تصمیم‌گیری جمعی و کار جمعی موفق برای مردم و مدیران تهیه شود.

۲. باید حوزه‌هایی که مردم می‌توانند بصورت مستقیم مشارکت کنند مشخص شود تا افرادی که تمایل به همکاری دارند از این ظرفیت‌ها استفاده کنند.

۳. در کشورها نظیر کانادا، آمریکا، مکزیک، کنیا و اسپانیا پلتفرم‌هایی طراحی شده است که می‌توانند پل ارتباطی مناسبی بین مردم و مسئولان برقرار کنند. این پلتفرم‌ها کمک می‌کند تا صدای شهروندان شنیده شود. در کشور ما نیز باید پلتفرم حکمرانی مشارکتی طراحی شود تا مردم بتوانند نظرات، انتقادات و ایده‌های خود را با مسئولان

دولت‌ها برای حل مشکلات متعدد خود و همچنین جلب حمایت‌های مردمی و ارتقاء سرمایه اجتماعی خود، تمایل به مشارکت بیشتر مردم و جامعه نخبگانی در فضای حکمرانی دارند. مردم نیز با انگیزه‌های متفاوتی از جمله، ملی‌گرایی، منفعت شخصی، نوع دوستی و یا رضایت‌الهی در حکمرانی مشارکت می‌کنند. با وجود تمایل دولت‌ها و مردم برای مشارکت در حکمرانی، مشکلات مختلفی مانع برقراری این ارتباط و مشارکت می‌شود. در این بخش با توجه به مشکلات و موضوعاتی که در قسمت‌های قبل مطرح شد، پیشنهادهایی ارائه می‌شوند:

۱. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فرهنگ مشارکت بین مردم کشور ضعیف است. برای برطرف شده این ضعف باید نهادهای تاثیرگذار در فرهنگ سازی مانند صدا و سیما، وزارت فرهنگ و آموزش و پرورش ترویج

همین دلیل، راهنمایی آزمایشگاه‌های سیاستگذاری رفتاری و شناختی جهت اثرسنجی سیاست‌های مشارکتی و تبیین و مدلسازی رفتارهای مردم پیشنهاد می‌شود.

۶. همکاری و یا ممانعت مدیران عالی جهت پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی از ضروریات است. به نحوی که مدیران خودرای و خود محور یکی از موانع جدی ایجاد مشارکت در جامعه محسوب می‌شوند. در این راستا می‌توان از تست‌های روانشناختی جهت شناسایی این افراد و عدم بکارگیری در سمت‌های حساس استفاده کرد.

مطرح کنند. اعلام بازخورد به شهروندان می‌تواند به مرور زمان باعث اعتمادسازی بین مردم و نهادهای حکمرانی شود و سرمایه اجتماعی را افزایش دهد.

۴. یکی از راه‌های ایجاد انگیزه برای مشارکت بیشتر مردم، تبیین فواید و نتایج مشارکت است. به عنوان مثال، نهادها باید موظف شوند عملکرد خود را در قبال پیشنهادهای و انتقادهای مردمی گزارش دهند.

۵. برای ایجاد مشارکت، باید نحوه رفتار مردم فهم شود. علوم شناختی و رفتاری کمک شایانی به فهم و پیش‌بینی نحوه رفتار مردم می‌کند. به



[منابع و مآخذ]

- [1] G. B. B. Vieira, F. J. Kliemann Neto, and F. G. Amaral, "Governance, governance models and port performance: A systematic review," *Transp. Rev.*, vol. 34, no. 5, pp. 645–662, 2014.
- [۲] رضایی زاده، کریم. حکمرانی و مدل‌های آن با نقش مدیریت دولتی و قانون، عطران، ۱۴۰۰.
- [3] M. Howlett, "Governance modes, policy regimes and operational plans: A multi-level nested model of policy instrument choice and policy design," *Policy Sci.*, vol. 42, no. 1, pp. 73–89, 2009.
- [4] F. Fischer, "Participatory governance: From theory to practice," in *The Oxford handbook of governance*, 2012.
- [5] A. I. Prigozhin, "Game Methods of Collective Decision Making in Management Consulting," *Sov. Educ.*, vol. 33, no. 12, pp. 25–45, Dec. 1991, doi: 10.2753/RES1060-9393331225.
- [6] D. Altschuler and J. Corrales, *The promise of participation: Experiments in participatory governance in Honduras and Guatemala*. Springer, 2013.
- [7] P. C. Schmitter, J. Grote, and B. Gbikpi, "Participatory Governance. Political and societal implications." Leske & Budrich, Opladen, 2002.
- [8] A. A. Camba, "Participatory Governance in the EU Enhancing or Endangering Democracy and Efficiency?," *GOVERNANCE-AN Int. J. POLICY Adm. INSTITUTIONS*, vol. 27, no. 3, pp. 536–538, Jul. 2014, doi: 10.1111/gove.12097.
- [۹] محمدی، نعیمه و حسن دانایی فرد. الگوی حکمرانی مشارکتی توسعه انرژی تجدیدپذیر ایران: رویکرد نهادی، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۹ (۳۰)، ۱۳۹۹.
- [10] R. Halim, "COLLABORATIVE GOVERNANCE MODEL IN THE VILLAGE FUND MANAGEMENT AT BANGGAI REGENCY (MODEL GOVERNANS KERJASAMA DALAM PENGURUSAN DANA KAMPUNG DI KABUPATEN BANGGAI)," *ASIAN J. Environ. Hist. Herit.*, vol. 2, no. 2, pp. 257–268, 2018.
- [11] A. Batory and S. Svensson, "The use and abuse of participatory governance by populist governments," *POLICY Polit.*, vol. 47, no. 2, pp. 227–244, Apr. 2019, doi: 10.1332/030557319X15487805848586.
- [12] C. Ruffin and M. Rivera-Santos, "CROSS-SECTOR GOVERNANCE," *Soc. Partnerships Responsible Bus. A Res. Handb.*, p. 125, 2013.
- [13] F. O'May and J. Buchan, "Shared governance: a literature review," *Int. J. Nurs. Stud.*, vol. 36, no. 4, pp. 281–300, 1999.
- [14] "Integrated Public Governance," Retrieved from OECD, 2022. <https://www.oecd.org/mena/governance/integrated-public-governance.htm>
- [15] C. Ansell and J. Torfing, *Handbook on theories of governance*. Edward Elgar Publishing, 2022.
- [16] "Public-private partnerships," Retrieved from World Bank, 2022. <https://ppp.worldbank.org/public-private-partnership/about-us/about-public-private-partnerships>
- [17] R. J. G. Jansen, P. L. Curcuseu, P. A. M. Vermeulen, J. L. A. Geurts, and P. Gibcus, "Social capital as a decision aid in strategic decision-making in service organizations," *Manag. Decis.*, 2011.

- [۱۹] حسینی اولی، شیرین السادات، "تخریب اموال عمومی در اعتراضات مدنی"، نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، ۱۳۹۹.
- [20] M. McShane, S. Nirenburg, and B. Jarrell, "Modeling decision-making biases," *Biol. Inspired Cogn. Archit.*, vol. 3, pp. 39–50, 2013.
- [21] M. Cherkes and L. Ryan, "Bias in special education decision making," *Acad. Ther.*, vol. 20, no. 3, pp. 323–329, 1985.
- [22] I. W. Wiwin, I. W. Ardika, and I. N. Putra, "Collaborative Governance: As a Conceptual Model of Destination Management in the Besakih Temple Area, Karangasem Regency, Bali Province. *journal of tourism and hospitality management*, 8 (1)," *J. Tour. Hosp. Manag.*, vol. 8, no. 1, pp. 76–81, 2020.
- [۲۳] تاجمیر ریاحی، حامد و محمدمهدی دژدار. "رتبه بندی تورش های رفتاری سرمایه گذاران در مواجهه با اخبار و شایعات مهم سیاسی با تاکید بر دوره مذاکرات هسته ای،" دانش سرمایه گذاری، ۶(۲۴)، ۱۳۹۶.
- [۲۴] اکبری، حسن علی و حسین رمضانی. "بررسی پایه های نظری موضوع تصمیم گیری مبتنی بر اخلاق اسلامی،" فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲۰(۱)، ۱۳۹۱.
- [۲۵] رفیعی آتانی، عطاء... واقعیت و روش تبیین «کنش انسانی» در چارچوب فلسفه اسلامی، نظریه ای بنیادین در علوم انسانی. تهران: انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۹۶.
- [۲۶] رازینی، روح الله و مهدی عزیزی. "طراحی الگوی تصمیم گیری با رویکرد اسلامی،" فصلنامه مدیریت اسلامی، ۴(۲۳)، ۱۳۹۴.
- [۲۷] ایگناسیو ژسوس سرانو کانترا، خاویر گارسیمارین، اسکار جی. لونگو، امید جهان شاهی و احمد چوپانیان، "ارزیابی گفتگوی سیاسی آنلاین: آیا دوقطبی شدن موجب تبادل نظر بیشتر میشود؟"، مطالعات ماهواره و رسانه های جدید ۲۵(۲)، ۱۳۹۹.
- [۲۸] برزگر، ابراهیم و سمیه حمیدی. "تاثیر رابطه ساختار- کارگزار بر دوقطبی شدن جامعه در انقلاب اسلامی ایران،" پژوهشنامه انقلاب اسلامی ۱(۴)، ۱۳۹۱.
- [29] F. Rossi, "Collective decision making: a great opportunity for constraint reasoning," *CONSTRAINTS*, vol. 19, no. 2, pp. 186–194, Apr. 2014, doi: 10.1007/s10601-013-9153-3.
- [30] A. Van Deemen and A. Rusinowska, *Collective decision making: Views from social choice and game theory*, vol. 43. Springer Science & Business Media, 2010.
- [31] W. Waheduzzaman, B. Van Gramberg, and J. Ferrer, "Bureaucratic Readiness in Managing Local Level Participatory Governance: A Developing Country Context," *Aust. J. PUBLIC Adm.*, vol. 77, no. 2, SI, pp. 309–330, Jun. 2018, doi: 10.1111/1467-8500.12256.
- [32] T. X. Bui, "A group decision support system for cooperative multiple criteria group decision making," *Lect. Notes Comput. Sci. Berlin Heidelberg, Ger. Springer-Verlag*, 1987.
- [33] S. Nitzan and J. Paroush, *Collective decision making: an economic outlook*. CUP Archive, 1985.
- [34] L. Castillo and C. A. Dorao, "Consensual decision-making model based on game theory for LNG processes," *ENERGY Convers. Manag.*, vol. 64, pp. 387–396, Dec. 2012, doi: 10.1016/j.enconman.2012.06.014.
- [35] M. Zellner, C. Watkins, D. Massey, L. Westphal, J. Brooks, and K. Ross, "Advancing Collective Decision-Making Theory with Integrated Agent-Based Modeling and Ethnographic Data Analysis: An Example in Ecological Restoration," *JASSS-THE J. Artif. Soc. Soc. Simul.*, vol. 17, no. 4, Oct. 2014, doi: 10.18564/jasss.2605.
- [۳۶] میرباقری سید محسن، عطاء... رفیعی آتانی و محمدرضا پارسا نژاد. "مروری نظام مند بر ادبیات تصمیم گیری جمعی،" پژوهش های نوین در تصمیم گیری ۶(۳)، ۱۴۰۰.
- [۳۷] ذبیح زاده، احسان، سعید صیاد شیرکش و فریده حق شناس کاشانی. "طراحی مدل حکمرانی مشارکتی با رویکرد ترکیبی: زمینه مدیریت تقاضای برق در ایران،" مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۱۱(۴۰)، ۱۴۰۰.

- [38] B. Michele, "Italian Community Co-operatives: Structuration of Community Development Processes in Italy," *Rev. Soc. Econ.*, pp. 1–27, 2021.
- [39] R. Boisvert and C. Milette, "Community development in Quebec: the contribution of collective intelligence," *Sante Publique (Paris)*, vol. 21, no. 2, pp. 183–190, 2009.
- [40] V. Bolshakova, A. Guerriero, H. Carvalho, and G. Halin, "Collective decision-making with 4D BIM: Collaboration group persona study," in *Advances in Informatics and Computing in Civil and Construction Engineering*, Springer, 2019, pp. 455–462.
- [41] G. Wiesinger, "The importance of social capital in rural development, networking and decision-making in rural areas," *J. Alp. Res. Rev. géographie Alp.*, no. 95–4, pp. 43–56, 2007.
- [42] Z. Wang, R. McNally, and H. Lenihan, "The role of social capital and culture on social decision-making constraints: A multilevel investigation," *Eur. Manag. J.*, vol. 37, no. 2, pp. 222–232, 2019.
- [43] Y. Khaluf, P. Simoens, and H. Hamann, "The Neglected Pieces of Designing Collective Decision-Making Processes," *Front. Robot. AI*, vol. 6, Mar. 2019, doi: 10.3389/frobt.2019.00016.
- [44] J. S. Fairweather, "The mythologies of faculty productivity: Implications for institutional policy and decision making," *J. Higher Educ.*, vol. 73, no. 1, pp. 26–48, 2002.
- [45] T. Bosel, A. Reinal, and J. A. R. Marshall, "Collective decision-making," *Curr. Opin. Behav. Sci.*, vol. 16, pp. 30–34, Aug. 2017, doi: 10.1016/j.cobeha.2017.03.004.
- [46] J. M. R. Parrondo, L. Dinis, E. Garcia-Torano, and B. Sotillo, "Collective decision making and paradoxical games," *Eur. Phys. JOURNAL-SPECIAL Top.*, vol. 143, pp. 39–46, Apr. 2007, doi: 10.1140/epjst/e2007-00068-0.
- [47] K. A. McHugh, F. J. Yammarino, S. D. Dionne, A. Serban, H. Sayama, and S. Chatterjee, "Collective decision making, leadership, and collective intelligence: Tests with agent-based simulations and a Field study," *Leadersh. Q.*, vol. 27, no. 2, SI, pp. 218–241, Apr. 2016, doi: 10.1016/j.leaqua.2016.01.001.
- [48] M. TELEM, "INFORMATION REQUIREMENTS SPECIFICATION .2. BRAINSTORMING COLLECTIVE DECISION-MAKING TECHNIQUE," *Inf. Process. Manag.*, vol. 24, no. 5, pp. 559–566, 1988, doi: 10.1016/0306-4573(88)90025-8.
- [49] L. R. Hearld, J. A. Alexander, L. Bodenschatz, C. J. Louis, and J. O'Hora, "Decision-making fairness and consensus building in multisector community health alliances: a mixed-methods analysis," *Nonprofit Manag. Leadersh.*, vol. 24, no. 2, pp. 139–161, 2013.
- [50] C. Sueur et al., "Collective decision-making and fission-fusion dynamics: a conceptual framework," *OIKOS*, vol. 120, no. 11, pp. 1608–1617, Nov. 2011, doi: 10.1111/j.1600-0706.2011.19685.x.
- [51] M. Bouwmans, P. Runhaar, R. Wesselink, and M. Mulder, "Fostering teachers' team learning: An interplay between transformational leadership and participative decision-making?," *Teach. Teach. Educ.*, vol. 65, pp. 71–80, 2017.
- [52] G. Carbone and I. Giannoccaro, "Model of human collective decision-making in complex environments," *Eur. Phys. J. B*, vol. 88, no. 12, Dec. 2015, doi: 10.1140/epjb/e2015-60609-0.
- [53] J. A. Irving and D. I. Williams, "Personal growth and personal development: Concepts clarified," *Br. J. Guid. Couns.*, vol. 27, no. 4, pp. 517–526, 1999.
- [54] J. Luring, D. S. A. Guttormsen, and Y. M. McNulty, "Adult third culture kids: adjustment and personal development," *Cross Cult. & Strateg. Manag.*, 2019.

- [55] S. D. Dionne, H. Sayama, and F. J. Yammarino, "Diversity and Social Network Structure in Collective Decision Making: Evolutionary Perspectives with Agent-Based Simulations," *Complexity*, 2019, doi: 10.1155/2019/7591072.
- [56] M. Tuley, P. B. Cater, and E. E. Jones Jr, "Social justice programs target discrimination, employment," *Hosp. Prog.*, vol. 64, no. 3, pp. 52–70, 1983.
- [57] R. T. Barnard and D. J. Turnbull, "Discrimination and Social Justice: Questions of Diversity, Plurality, Representativeness, Measurability, and Doublespeak," *Int. J. Interdiscip. Civ. Polit. Stud.*, vol. 14, no. 2, pp. 21–34, 2019.
- [58] C. Novella-Garcia and A. Cloquell-Lozano, "The ethics of maxima and minima combined with social justice as a form of public corruption prevention," *Crime, Law Soc. Chang.*, vol. 75, no. 3, pp. 281–295, 2021.
- [59] M. R. Fondacaro and D. Weinberg, "Concepts of social justice in community psychology: Toward a social ecological epistemology," *Am. J. Community Psychol.*, vol. 30, no. 4, pp. 473–492, 2002.
- [60] L. Staples, "Community organizing for social justice: Grassroots groups for power," *Soc. Work Groups*, vol. 35, no. 3, pp. 287–296, 2012.
- [61] S. Moroni, "The just city. Three background issues: Institutional justice and spatial justice, social justice and distributive justice, concept of justice and conceptions of justice," *Plan. Theory*, vol. 19, no. 3, pp. 251–267, 2020.
- [62] C. A. Wendorf, S. Alexander, and I. J. Firestone, "Social justice and moral reasoning: An empirical integration of two paradigms in psychological research," *Soc. Justice Res.*, vol. 15, no. 1, pp. 19–39, 2002.
- [63] J. Bessant, "Procedural Justice, Conflict of Interest and the Stolen Generations." Case, 2004.
- [64] S. Crossley, "The 'official' social justice: an examination of the Coalition government's concept of social justice," *J. Poverty Soc. Justice*, vol. 25, no. 1, pp. 21–33, 2017.
- [65] A. Bond, J. Pope, A. Morrison-Saunders, and F. Retief, "A game theory perspective on environmental assessment: What games are played and what does this tell us about decision making rationality and legitimacy?," *Environ. Impact Assess. Rev.*, vol. 57, pp. 187–194, Feb. 2016, doi: 10.1016/j.eiar.2016.01.002.
- [66] R. P. Mann, "Collective decision making by rational individuals," *Proc. Natl. Acad. Sci. U. S. A.*, vol. 115, no. 44, pp. E10387–E10396, Oct. 2018, doi: 10.1073/pnas.1811964115.
- [67] V. J. Vanderslice, R. W. Rice, and J. W. Julian, "The Effects of Participation in Decision-Making on Worker Satisfaction and Productivity: An Organizational Simulation 1," *J. Appl. Soc. Psychol.*, vol. 17, no. 2, pp. 158–170, 1987.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc@majles.ir